

مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

علی جعفری^۱

علی تقی‌خانی^۲

عظیم عابدینی^۳

چکیده

بسیاری تصور کرده‌اند، حمایت از حریم خصوصی، محصول کنوانسیون‌های حقوق بشری و خاستگاه آن از غرب است، در حالی که با بررسی روایات ناظر به حریم خصوصی، بطلان این دیدگاه محرز می‌شود. اصطلاح حریم خصوصی (الحیاه الخاصه یا الخصوصیه) در آیات و روایات به کار نرفته است؛ اما روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد که می‌توان با تبیین آنها دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی را بیان کرد. از این روایات می‌توان به عنوان مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) در خصوص لزوم حمایت از حریم خصوصی شهروندان و منع تجاوز به آن از سوی کارگزاران نام برد. این روایات را می‌توان در چند دسته‌بندی کلی مورد بررسی قرار داد: افشاء سر، ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان و همچنین تصرف بدون اذن، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت هتک ستر. **واژگان کلیدی:** امام خمینی (ره)، فرمان هشت ماده‌ای، حریم خصوصی، افشاء سر، تجسس، سوء ظن، استراق سمع.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، عضو شورای علمی و مدیر گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم (ع)؛

jafarilaw@gmail.com

۲- عضو شورای علمی گروه فقه و حقوق ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

۳- دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران

مقدمه

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که انتظار معقول دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن قلمرو نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. مطابق بند ۱ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی «قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند.»

حریم خصوصی را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند:

- ۱- حریم خصوصی جسمانی
- ۲- حریم خصوصی مکانی
- ۳- حریم خصوصی اطلاعات
- ۴- حریم خصوصی ارتباطات

مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که متعرض مسئله حریم خصوصی شده‌اند، عبارت‌اند از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین.

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مقرر می‌دارد:

۱. در زندگی شخصی، خانواده، منزل یا ارتباطات هیچ کس نباید خودسرانه یا غیرقانونی مداخله شود یا آسیب و لطمه غیرقانونی به آبرو یا حیثیت او وارد آید.
۲. هر کسی در برابر چنین تعرض یا آسیبی حق دارد از حمایت‌های قانونی برخوردار شود.»

فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای را خطاب به ارگان‌های قضایی، اجرایی در مورد اسلامی شدن عملکردها صادر کردند که مهمترین سند در رابطه با حریم خصوصی در ایران است.

در بند شش این فرمان چنین آمده است: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱) حضرت امام (ره) در ادامه می‌فرماید: «و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام

جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد.

و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و همچنین هیچ‌یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.» (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۱)

نکته قابل توجه این است که در غرب، زمانی که دچار مشکلات امنیتی می‌شوند، اولین قربانی، حریم خصوصی شهروندان است، چنانچه پس از ۱۱ سپتامبر ششود مکالمات شهروندان توسط دولت آمریکا تجویز شد. در اروپا پیش از ۱۱ سپتامبر به موجب الزام دستورالعمل شورای اروپا، تمام کشورهای اروپایی موظف به تصویب قوانین خاص در خصوص حمایت از حریم خصوصی شدند، لکن پس از ۱۱ سپتامبر این روند نه تنها متوقف شد، بلکه معکوس شد! (جعفری، علی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰). اما حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ و در اوج مشکلات امنیتی کشور و مسائل خاص جنگ تحمیلی و تحریکات منافقین، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به ارگان‌های قضایی، اجرایی در خصوص حمایت از حریم خصوصی شهروندان صادر فرمودند.

در ایران خلأ قانونی جدی در حمایت از حریم خصوصی به ویژه حریم خصوصی اطلاعات باعث شد قانونگذار در بند «ه» ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه، قوه قضاییه را موظف به تهیه لایحه حمایت از حریم خصوصی در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمود. متأسفانه تاکنون قوه قضاییه اقدامی نسبت به اجرای بند «ه» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه انجام نداده است.

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد، برای حمایت از حریم خصوصی و مقوله‌های مختلف آن، در نظام حقوقی اسلام مبانی محکمی وجود دارد که امروزه برای حمایت از آن کفایت می‌کند. از این رو، وصف حقوق بشری حریم خصوصی ارزش افزوده‌ای برای نظام حقوقی و اخلاقی اسلام ندارد. به نظر نویسنده، تأکید اسلام بر حرمت زندگی خصوصی بسیار فراتر و بیش‌تر از آن حدی است که امروزه با استناد به حق بشری یا حق اساسی بودن حق حریم خصوصی دنبال می‌شود.

اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح «تحویل‌گرایانه» است. یعنی، حریم خصوصی، در قالب

احاله به حقوق و تکالیف دیگر، نظیر: حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوء ظن و اشاعه فحشا و سب و هجو و قذف و نیمه و غیبت و خیانت در امانت حمایت شده است.

در مقوله حریم خصوصی، آیات ۱۲ سوره حجرات و ۱۹ سوره نور و روایات بسیاری وجود دارد. مباحثی را که در آنها درباره حریم خصوصی و بیان علل و حکمت‌های حمایت از آن به کار رفته‌اند می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

الف - ممنوعیت افشاء سر

ب- ممنوعیت تجسس و تحسس

ج- ممنوعیت سوء ظن

د- ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر

ه- ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

و- ممنوعیت استراق سمع و بصر

ز- ممنوعیت نیمه و غیبت

اینک درباره هر یک از عناوین مذکور و ارتباط آنها با حریم خصوصی توضیح می‌دهیم.

الف - ممنوعیت افشاء سر

در مورد افشاء سر و حرمت اشاعه اسرار، در ذیل آیه ۲۱ سوره آل عمران «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يُتْلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْعِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»، احادیثی نقل شده حاکی از اینکه بنی اسرائیل اسرار انبیاء را افشاء می‌کردند و این افشاء سر، موجبات قتل انبیاء را فراهم می‌کرد؛ قرآن این گروه را قاتل انبیاء دانسته است. در «کافی» روایاتی نقل شده که اگر افشاء سر کسی موجب قتل او شود، در نامه اعمال افشاکننده سر، قتل ثبت می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۱)

همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من کشف حجاب أخیه انکشف عورات بیته»: هر کس از اسرار برادر دینی خود پرده بردارد، خداوند نیز اسرار خانه او را فاش می‌سازد. (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۷۱)

علاوه بر این دسته روایات، روایاتی وجود دارد که اطلاق آنان، نهی از نقض حریم خصوصی را دربرمی‌گیرد. نظیر تمامی روایات در خصوص ایذاء مؤمن و روایات هتک حرمت مؤمن و معونه بر ظلم. از جمله از امام صادق (ع) نقل شده است که: «من اعان علی مؤمن بشطر کلمه جاء یوم القیامه و بین عینیه مکتوب آیس من رحمه الله» هر کس علیه مومنی کاری انجام دهد که بر او ضرر وارد شود و لو با گفتن کلمه‌ای روز قیامت درحالی محشور می‌شود که در پیشانی‌اش نوشته مایوس از رحمت خداوند. (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۹۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لیس لاحد ان یحدث بحدیث یکتمه صاحبه الا باذنه» (کلینی، ۱۴۰۷ق،

ج ۲، ص ۶۶۰).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در وصیت خود به ابوذر می‌فرمایند: «یا اباذر المجالس بالامانه و افشائک سرّ اخیک خیانه فاجتنب ذالک» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۰۷).
 عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ حضرت می‌فرماید: بله و آن افشاء سرّ اوست. (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۷) و نیز در حدیث بلند نثر الدر^۱ در تحف العقول (ر.ک: حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۱) در مورد افشاء سرّ، بیاناتی آمده است.

ب- ممنوعیت تجسس و تحسس

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات فرموده است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ تَجَسُّسًا وَكَأَنَّ يُعْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ.*
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها درباره دیگران پرهیزید، برآستی که برخی از گمان‌ها گناه است. درباره همدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! البته که از آن بدتان می‌آید.
 البته این آیه، هر سه مورد ممنوعیت تجسس، ممنوعیت سوء ظن و ممنوعیت غیبت را شامل می‌شود.
 در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است: *وَلَا تَجَسَّسُوا* یعنی در پی جستجوی عیب‌ها و دنبال کردن لغزش‌های مردم نباشید. ابو عبیده نیز گفته است: دو واژه تجسس و تحسس دارای معنا و مفهوم یگانه‌ای هستند.

اخفش نیز گفته است: دو واژه تجسس و تحسس چندان از همدیگر دور نیستند؛ تنها تفاوت میان آنها این است که «تجسس» - با جیم - به خبرجویی‌ها و پی‌گیری‌هایی در امور پنهانی گفته می‌شود و کلمه «جاسوس» نیز از همین ریشه می‌باشد. *وَلَكِن كَلِمَةُ «تَحَسُّسٍ» -* با حاء بدون نقطه - درباره خبرجویی‌ها و کنجکاوی‌های مربوط به امور آشکار و شناخته شده به کار برده می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۳۷)
 در هر صورت لازم است که بگوییم:

اولاً، طبق این آیه شریفه خداوند متعال در اکثر موارد از هر گونه «بدگمانی» درباره مؤمنان نهی فرموده است.

ثانیاً، خداوند مردم را از هر گونه تجسس و کنجکاوی درباره امور پنهانی و زندگانی شخصی افراد برحذر داشته است.

ثالثاً، در صورت آگاهی پیدا کردن به اسرار، عیوب و مسائل شخصی دیگران [از هر طریقی که باشد] از بازگو و پخش آن در میان مردم نهی کرده است. به گمان ما از آیه شریفه می‌توان چنین برداشت نمود که «زندگی» هر انسانی بسته به آبرو، حیثیت و شخصیت اجتماعی او می‌باشد. بنابراین، از بین بردن آبرو و آلوده

۱- نثر الدر صحیفه‌ای است در کلمات قصار آن حضرت (ع) که گویا به صورت مجموعه‌ای واحد بوده و «ابن شعبه حرانی» آن را در کتاب تحف العقول یک جا آورده است.

ساختن «شخصیت اجتماعی» و هتک حرمت هر فردی به مثابه از بین بردن زندگی و حیات اوست. یعنی سلب آبروی یک نفر به وسیله شایعات و یا نقل اسرار و عیوب او مساوی با اعدام شخصیت اجتماعی اوست. شایسته یادآوری است با توجه به اینکه متعلق این آیه شریفه حذف شده، به این معنی که مصداق خاصی برای ظن و «مورد تجسس» ذکر نگردیده، لذا در زمینه تحریم خبرجویی و کنجکاوی (تجسس) نسبت به دیگران و پخش کردن اسرار آنان اطلاق دارد. به دلیل حذف متعلق آن، می‌فهمیم که درباره هیچ امری نمی‌توان تجسس کرد، مگر اینکه دلیل شرعی خاص برای موارد خاص وارد شده باشد. در مورد افشاء اسرار و عیوب دیگران نیز مطلب از همین قرار است.

از پیامبر اکرم (ص) روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. از جمله این که:

۱) «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تحسسوا ولا تناجسوا». (حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۵۲)

از گمان پرهیزید، چرا که گمان، سخن را در گرداب دروغ افکند؛ از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر پرهیزید؛ از حال کسی تفتیش نکنید و نجش نکنید (نجش یعنی اذاعه و نشر) (مجمع البحرین)).

۲) اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند و ایشان از پیامبر (ص) که فرمود: «یا معشر من آمن بلسانه و لم یدخل الايمان قلبه، لاتعتابوا المسلمین ولا تتبعوا عوراتهم فإنه من اتبع عوراتهم يتبع الله عورته و من يتبع الله عورته يفضحه و (ولو) فی بینه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۴)

ای گروهی که به زبان اسلام آورده‌اید و ایمان در قلب شما جای نگرفته است، از مسلمانان بدگویی کنید و در جستجوی عیب‌های آنان مباشید؛ چرا که هر کسی در پی کاستی‌های آنان برآید خداوند در جستجوی عیوب او خواهد بود و آن‌که خدا با او چنین کند، رسوایش خواهد ساخت، هر چند درون خانه‌اش باشد.

۳) «إني لم أومر أن انقب عن قلوب الناس ولا أشتق بطونهم» (ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۱) من مأمور نگشته‌ام دل‌های مردم را بشکافم و از افکار درونی آنها باخبر شوم.

۴) «و من مشى فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوه خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلایق». (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۰۲)

هر کسی در راه جستجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد.

۶) «من رأى عورة فسترها كمن أحيا مؤوداً». (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۵۴) هر کس عیب دیگری را بپوشاند همانند کسی است که زنده به گوری را نجات داده باشد.

۷) انک ان اتبع عورات الناس او عثرات الناس افسدتهم، او کدت ان تفسدهم.

«اگر تو درصدد پی‌جویی و کشف اسرار و یا لغزش‌های مردم باشی، در این صورت، آنان را به فساد کشانیده و یا به آن نزدیک ساخته‌ای.» (بی‌هقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۳)

۸) امام علی (ع) در نامه خویش به مالک اشتر هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند، توصیه فرموده است. (نهج البلاغه، ۱۷/۱۴۱ق، نامه ۵۳، ص ۵۶۸)

«وَلَيْكُنْ أَعْيَابَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عِيوبًا؛ الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا؛ فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا؛ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ لَكُمْ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ؛ فَاسْتِرْ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتِرْ اللَّهُ مِنْكَ مَا تَحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ... وَتَغَابَ عَنِ كُلِّ مَا لَا يَضْحَكُ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَيَّ تَصْدِيقَ سَاحٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ».

باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آن که در مردم لغزش‌هایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشاندن آنها سزاوارتر است. پس در جستجوی امور پنهان مباش، وظیفه حاکم تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که پروردگار بر هر آنچه از تو نهان است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند... و از آنچه در نظرت روشن نیست کناره‌گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می‌شود، خیانتکار است.

۹) حضرت علی علیه‌السلام فرمود: من بحث عن اسرار غیره أظهر الله أسرارہ. «هر کس که درباره اسرار و امور پنهانی دیگران جستجو و گفتگو کند خداوند نیز اسرار او را برای دیگران فاش خواهد فرمود» (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱)

۱۰) از امام صادق (ع) نقل شده است: «الجهل فی ثلاث: فی تبدل الاخوان، والمنابذه بغير بیان و التجسس عما لا یغنی». سه چیز نشانه نادانی است: تغییر دادن دوستان؛ جدا شدن و کناره‌گیری [از دوستان] بدون بازگو کردن سبب آن و جستجوی چیزی که نفعی در پی ندارد.

۱۱) از امام صادق (ع) روایت است که پیامبر اسلام (ص) فرمود: لا تطلبوا عثرات المؤمنین، فانه من تتبع عثرات اخیه، تتبع الله عثراته، و من تتبع الله عثراته یفضحه ولو فی جوف بیته. «درباره لغزش‌های مؤمنین، تجسس و جستجو مکنید، چون که هر کس لغزش‌های برادران مؤمن خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزش‌های خود او را پی‌جویی خواهد کرد، و چنین کسی را خداوند بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت هر چند که در درون خانه‌اش باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲/۳۵۵)

۱۲) زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: اقرب ما یكون العبد الی الکفر أن یواخی الرجل علی الدین فیحصی علیه زلاته لیعیره بها یوماما. «نزدیک‌ترین مرزها به کفر و بی‌دینی آن است که انسان

لغزش‌ها و معایب برادر دینی خود را شناسایی کرده و به یاد بسپارد، تا روزی آنها را فاش ساخته و به رخ او بکشد.» (همان)

۱۳) از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده است: «شر الناس من لا یغفر الزله ولا یستر العوره». «بدترین مردم کسی است که لغزش‌های دیگران را نبخشد و گناهان دیگران را نپوشاند.» (نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۴۲۷)

تأمل در مجموع آیات و روایات فوق نشان می‌دهد که برخی از امور مردم به طور مطلق مصون از تجسس دیگران اعلام شده است (ضابطه نوعی) و تجسس در برخی دیگر از امور به دلایل خاصی تحریم شده است (ضابطه شخصی).

لغت‌شناسان در مورد تعریف اصطلاحات تجسس، تحسس و تفتیش، و مترادف یا تغایر معنایی آنها اختلاف نظر دارند. به اعتقاد برخی، اصطلاحات مذکور دارای معانی واحد هستند و به اعتقاد بعضی دارای معانی متعدد.

تعاریف مختلفی که از تجسس و تحسس صورت گرفته است به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱- قرطبی از قول أخفش می‌گوید که تفاوتی میان اصطلاح‌های مذکور وجود ندارد و بسیار شبیه به هم هستند؛ زیرا:

الف) تجسس عبارت است از دنبال کردن چیزی که از انسان کتمان شده است و تحسس عبارت است از دنبال خبر گشتن و مطلع شدن از اخبار دیگران بی آنکه کتمان در کار باشد.

ب) تجسس عبارت است از دنبال امور گشتن، ولی تحسس عبارت از چیزی است که انسان با بعضی حواس خود آن را درک می‌کند.

ج) تجسس یعنی دنبال گشتن برای دیگران و عامل و جاسوس دیگران بودن، اما تحسس یعنی دنبال خبر گشتن برای خویشان نه برای دیگران. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۴)

۲- ابن الجوزی نیز در زادالمسیر میان تجسس و تحسس تفاوت قائل شده می‌گوید:

تجسس یعنی دنبال عورات مردم گشتن، ولی تحسس یعنی استماع سخنان دیگران. (قرشی البغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۸۶)

۳- المناوی در فیض القدیر وجه فارق سومی را میان تجسس و تحسس اعلام می‌کند. به اعتقاد وی، علاوه بر تفاوت‌های مذکور در سطور فوق، تجسس عبارت است از دنبال اخبار شرّ دیگران گشتن، ولی تحسس عام است و شامل اخبار شر و خیر می‌شود. (مناوی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۹)

۴- آیت الله سید محسن خرازی پس از ذکر اقوال مصباح المنیر، مقایس المنیر، صحاح جوهری، لسان العرب، أخفش و قرطبی که برخی به مترادف تجسس و تحسس معتقد بوده و برخی میان آنها تفاوت گذاشته‌اند، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: (خرازی، همان)

«فتحصّل أن التجسس هو التتبع والتفحص عن بواطن الأمور، سواء كان لنفسه أو لغيره وسواء كان لداعي الشر أو لداعي الخير و سواء كانت الأمور خيراً أو شراً».

به نظر می‌رسد که تعریف مذکور با حمایت از حریم خصوصی بیشتر سازگار است. زیرا بنا بر تعریف، حریم خصوصی قلمروی از زندگی است که به هر دلیلی از دیگران پنهان نگه داشته می‌شود؛ به دیگر سخن، تنها امور باطنی یا غیر ظاهر هستند که می‌توانند مشمول حریم خصوصی قرار گیرند.

ج - ممنوعیت سوء ظن

در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، سوء ظن منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده است. به همین دلیل، برای برخورد بنیادی با معضل تجسس به مردم توصیه شده است که از سوء ظن درباره گفتار و اعمال دیگران پرهیز شود؛ به ظاهر اعمال و گفته‌ها اعتماد کنند، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود نه آنکه ظواهر را براساس سوء ظن مورد تفتیش قرار دهند.

رسول خدا (ص) فرمود: *ان الامیر اذا ابتغى الریبه فی الناس، افسدهم*. «اگر زمامدار ملتی بخواهد بدگمانی‌های خود را دنبال کند [و بر پایه آنها تصمیم بگیرد] ملت خود را به فساد و تباهی خواهد کشانید.» (بیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۳). پیامبر اکرم (ص) همچنان فرموده‌اند: *«یاکم والظن، فان الظن الکذب الحدیث ولا تحسسوا ولا تجسسوا»*. بر شما باد اجتناب از ظن، که همانا ظن کذب‌ترین سخن‌هاست و از تجسس و تجسس اجتناب کنید.

در روایتی از امیرالمؤمنین روایت شده است: *«اطرحوا سوء الظن بینکم فان الله عزوجل نهی عن ذلک»*. از سوء ظن بین خود دوری ورزید که همانا خداوند از آن نهی کرده است (نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۶۹).

علامه مجلسی در بحارالانوار از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: *«ان الله تعالی حرم من المسلم دمه و ماله و أن یظن به ظن السوء»*. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۰۱) همانا خداوند متعال، جان و مال را محترم ساخته و از سوء ظن به او منع کرده است.

از امام علی (ع) نقل شده است: *«ضع أمر أخیک علی أحسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه، ولا تظنن بکلمه خرجت من أخیک سوءً و أنت تجتئ لها فی الخیر مهملاً»* (همان، ص ۲۰۰). امر برادر (دینی) خود را بر شکل احسن آن تعبیر کن، مگر آنکه خلاف آن بر تو اثبات شود. بر سخن بدی که بر زبان برادر جاری شده و تو می‌توانی مهملی برای تعبیر آن به خیر بیایی، ظن سوء مبر.

در تفسیر قرطبی از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که فرمود: *«خداوند خون مسلمان، آبروی مسلمان و بدگمان بودن درباره او را حرام کرده است»*. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۲)

محمد بن فضیل از ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است که: *«به آن حضرت گفتیم: فدایت شوم، گاهی می‌شود که مطالب ناپسندی درباره برخی از برادران دینی خود از دیگران می‌شنوم، ولیکن وقتی از خود او می‌پرسم، آن را منکر می‌شود، در حالی که دیگران که درباره او برایم نقل مطلب کرده‌اند مورد اعتماد*

و موثق می‌باشند، [آیا وظیفه من چیست، سخنان دیگران را بپذیریم و یا انکار خود او را؟] حضرت برای من فرمود:

ای محمد! درباره برادران دینی خود چشم و گوش خود را تکذیب کن، و اگر دیگران درباره شخصی با پنجاه سوگند نیز گواهی دهند و لکن خود آن شخص خلاف حرف آنان را بگویند، حرف خود او را قبول کن. هرگز بر ضد آن برادرت افشاگری مکن که او را خوارگردانی و شخصیتش را از بین ببری؛ اگر چنین کاری را انجام بدهی از مصادیق این آیه شریفه خواهی بود که می‌فرماید: آنانکه نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برای‌شان عذاب دردناکی خواهد بود.» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۲).

مشابه همین روایت را مرحوم کلینی در در روضه کافی نیز نقل کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷) البته مسلم است که اطلاق این روایت منصرف از حق الناس است.

شایسته است بدانیم که منظور حضرت از اینکه «اگر درباره شخصی با پنجاه قسم هم گواهی دهند و خود او خلاف آن را بگویند، باید آنان را تکذیب کرد، این مطلب نیست که آنان را متهم به دروغ گویی کنیم؛ بلکه منظور اینست که عملاً به حرفشان ترتیب اثر داده نشود و بگوئیم امر بر آنها مشتبه شده است. چون، وقتی که متهم و یا مرتکب یک خطا و جرم، ارتکاب آن را نمی‌پذیرد، در واقع بدین وسیله از کرده خود اظهار پشیمانی و عذرخواهی می‌کند. بنابراین، باید درباره او از هر گونه افشاگری خودداری به عمل آید و لغزش او نادیده گرفته شود، هر چند که واقعاً نیز مرتکب کار خلافی شده باشد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: *سوء الظن یفسد الامور و بیعت علی الشرور*. «بدگمانی نسبت به دیگران کارها را تباه می‌سازد و شرارت‌ها را برمی‌انگیزد.» (آمدی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۳۲)

امام صادق (ع) در تصدیق قول و فعل مسلم و نهی از سوء ظن فرموده‌اند: «المؤمن اصدق علی نفسه من سبعین مؤمناً علیه». مؤمن در تصدیق نفس خود از هفتاد مؤمن صادق‌تر است. (همان)

در تعریف سوء ظن و تفسیر آیات و روایات مذکور علمای اسلام تعبیر مختلفی به کار برده‌اند. ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد که ظن بر چهار قسم است: محذور، مأمور، مباح و مندوب الیه. ظن محذور یعنی سوء ظن به خدای متعال، چون که حسن ظن به خدا واجب است. همچنین است سوء ظن به مسلمینی که ظاهرشان عادلانه است. ظن مأموریه عبارت است از ظن نسبت به چیزی بی‌آنکه دلیلی که وصول علم به آن را ممکن سازد ارائه شده باشد. در چنین مواردی، عمل به ظن غالب و اکتفا بر غلبه به جای علم، جایز است. پذیرش شهادت عدول و تقویم مستهلکات و ارشهایی که در قبال جنایات باید پرداخته شوند بر اساس این ظن صورت می‌گیرد. ظن مباح، همانند ظن پس از نماز است که در این صورت، شخص می‌تواند بنا بر بُعد غالب ظن خود عمل کند یا اینکه آن را نادیده بگیرد. در مورد چنین ظنی، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که در صورتی که ظنی در شما پیدا شد درباره آن تحقیق کنید؛ نظیر ظنی که در قلب خود نسبت به برادر خود پیدا می‌کنید و براساس این ظن به وی مشکوک می‌شوید. اما ظن مندوب الیه عبارت است از حسن ظن نسبت به برادر دینی. (قرشی البغدادی، همان، ص ۱۸۵)

از امام صادق (ع) منقول است که ریشهٔ حُسن ظن در حُسن ایمان انسان و سلامت قلب او قرار دارد. هنگامی که می‌بیند یکی از برادران دینی شما خصلتی دارد که آن را انکار می‌کند (به خاطر آن سرزنش خواهد شد) در مورد آن خصلت وی هفت تأویل ارائه کنید. چنانچه قلباً به یکی از هفت تأویل راضی شدید چه بهتر، والا به سرزنش نفس خود بپردازید تا خود را به کشف خصلتی که تأویل‌های هفت‌گانه از فهم آن عاجز مانده‌اند مجاز نداند و شما بهتر از آن شخص می‌توانید در صدد انکار آن خصلت برآیید. (نمازی، همان، ص ۴۰)

صاحب فیض القدير از قول «راغب» می‌گوید که ظن متکی بر اماره است و با توجه به اینکه اماره چیزی متردد بین یقین و شک است، گاهی به یقین نزدیک می‌شود و گاهی به شک. ظن به هنگامی که قوی‌تر از اماره است پسندیده و به هنگامی که در حد حدس و گمان است مذموم است. (مناوی، همان، ص ۱۵۹)

د- ممنوعیت اشاعهٔ فحشا و هتک ستر

خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نور فرموده است: *إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.*

کسانی که پخش کردن و شهرت دادن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند در این دنیا و سرای دیگر برای آنان عذابی دردناک می‌باشد. منظور از «اشاعه فحشا» در متن آیه شریفه همانا «افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت کردن» آنان است. زیرا غیبت دیگران و بیان اسرار و عیوب و گناهان و لغزش‌های افراد برای دیگران، عین انتشار و اشاعه فحشاء است.

کلینی در اصول کافی از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب امام صادق (ع) از آن حضرت نقل کرده که فرمود: «اگر کسی خطاها، لغزش‌ها و گناهایی را که از مؤمنی با دو چشمان خود دیده و با دو گوش خود شنیده است برای دیگران بازگو کند، او از مصادیق این آیه شریفه خواهد بود که می‌فرماید: آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برای‌شان عذابی دردناک وجود دارد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷)

اسلام نه تنها دولت و اشخاص ثالث را از ورود در حریم خصوصی انسان‌ها منع کرده است، بلکه به همه انسان‌ها نیز دستور داده که از افشای امور و مسائلی که نوعاً برای دیگران فاش نمی‌شود و نوعاً کتمان آنها برتر از ابراز آنها تلقی می‌شود خودداری کنند. از پیامبر گرامی اسلام (ص) منقول است: *من اذاع الفاحشه كمن مبتدئها و من غیر مؤمناً بشيءٍ لا يموت حتى يركبه.* همانا کسی که اشاعهٔ فحشا می‌کند همانند کسی است که آن را به وجود آورده است و هر کسی مؤمنی را به خاطر عملی ملامت کند نمی‌میرد تا اینکه آن را مرتکب شود. (جرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۲۹۶ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۶)

از مجموع روایات اسلامی و تفسیرهای آنها چنین برمی‌آید که افشای برخی مسائل خصوصی حتی با رضایت دارندهٔ حریم خصوصی مجاز نیست؛ زیرا اشاعهٔ فحشا محسوب می‌شود. همچنین است افشای

مسائلی که به ستر عورت انسان مربوط می‌شود؛ زیرا حفظ عورت از واجبات است. صاحب جواهر در توصیف انسان عادل تعبیری به کار برده است که ذکر آن در این مقام بجا به نظر می‌رسد:

«عادل یعنی کسی که عیب‌ها و لغزش‌های خود را می‌پوشاند ... و نه کسی که هیچ عیب یا لغزشی نداشته باشد. بله ... اگر عیب یا لغزشی باطناً از او سر بزند بر او واجب است که آن را از دیگران بپوشاند؛ زیرا اشاعه فحشا ممنوع است و ستر عورت واجب». (نجفی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۲۹۸- صاحب جواهر این قول را از وحید بهبهانی در مصابیح الظلام نقل کرده است.)

منع اشاعه فحشا تا حد زیادی به آثار اجتماعی هتک ستر توجه دارد، اما وجوب پوشاندن عیب‌ها و لغزش‌های خود از دیگران و به عبارت دیگر وجوب ستر عورت (عورت به مفهوم اعم کلمه) امری است که امروزه در بحث از حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بشر از آن به لاینفک بودن یاد می‌شود؛ امری که جدا از آثار اجتماعی هتک ستر در صدد دفاع از کرامت انسان بوده، مانع از آن است که انسان خود بر ضد کرامت خویشتن اقدام کند.

ه- ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیذان و استیذان شده است. استیئناس یعنی هنگام ورود به منزل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشنایی‌های لازم را به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیئناس و استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.

۱- خداوند در آیه ۲۷ سوره نور فرموده است: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا».

۲- آیه ۱۸۹ سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا».

۳- حکم پیامبر اکرم (ص) در قضیه سمره بن جندب از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت می‌کند.

سمره بن جندب در خانه یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحب‌خانه وارد منزل می‌شد. مرد انصاری که پس از چند بار اعتراض به این امر، راه به جایی نبرد شکایت نزد پیامبر برد. پیامبر اسلام از سمره خواست که بدون اذن وارد منزل انصاری نشود، ولی وی قبول نکرد. پیامبر از وی خواست که از نخل خود در منزل انصاری صرف‌نظر کند و نخل دیگری، حتی چند نخل دیگر در جای دیگر به جای آن دریافت کند، ولی سمره نپذیرفت. پیامبر مجدداً به سمره اعلام کرد که اگر از نخل در این دنیا بگذرد به جای آن در آخرت نخل‌های دیگری به وی خواهد داد، ولی این بار هم سمره قبول نکرد. در پایان پیامبر اسلام برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام». لذا به مرد انصاری اعلام کردند که «برو درخت را بکن و در مقابل وی (سمره) بینداز» (بجنوردی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱ به بعد).

۴- در کتب شیعه و اهل سنت نقل است که خلیفه دوم شبی مشغول گشت‌زنی در شهر بود. از خانه‌ای صدای آواز و عیش و طرب شنید و حدس زد که عمل حرامی در حال انجام است. برای تحقیق بیش‌تر از دیوار منزلی که صدای غنا از آن‌جا برخاسته بود بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد. خطاب به وی گفت: ای دشمن خدا، گمان کردم که خداوند بر تو لباس شرم و حیا پوشانده است، حال آنکه معصیت خدا می‌کنی؟ آن مرد در پاسخ خلیفه گفت: ای خلیفه، تعجیل مکن. اگر من یک معصیت کرده‌ام شما سه معصیت مرتکب شده‌اید. خداوند فرموده است تجسس نکنید و تو تجسس کردی؛ فرموده است به خانه‌های مردم از در وارد شوید و تو از دیوار بالا آمدی؛ و بالاخره آنکه خداوند فرموده است که بدون استیناس و اذن وارد خانه مردم نشوید ولی تو بدون اذن وارد منزل من شدی. خلیفه گفت: آیا اگر طلب بخشش کنم مرا می‌بخشی؟ صاحب‌خانه گفت آری و خلیفه از منزل خارج شد و رفت. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱)

و- ممنوعیت استراق سمع و بصر

۱- ابن عباس از پیامبر خدا (ص) نقل کرده است که او فرمود: «...ومن استمع الی حدیث قوم و هم له کارهون یصب فی اذنیه الأذنک یوم القیامه» «هر کس به سخنان و گفتگوی دیگران گوش بسپارد در حالی که آنان رضایت ندارند، در روز قیامت به گوش‌های او سرب گداخته می‌ریزند. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۳)

۲- از طریق محمد بن مروان از امام صادق (ع) روایت نموده است که آن حضرت می‌فرمود: *ثلاثه یعدیون یوم القیامه (الی أن قال) و المستمع حدیث قوم و هم له کارهون یصب فی اذنیه الأذنک.* «سه دسته هستند که در روز قیامت دچار عذاب الهی خواهند شد و [آنان را برشمرد تا اینکه فرمود:] از جمله کسی که به مکالمه دیگران گوش دهد در حالی که آنان به این کار رضایت ندارند. به گوش‌های چنین کسانی در روز قیامت سرب گداخته خواهند ریخت.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۲۹۷).

۳- *قال النبی (ص): من نظر فی کتاب اخیه بغیر اذنه فکانما ینظر فی النار.* (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۵۹) هر کس به نوشته برادر دینی‌اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند.

ز- ممنوعیت نیمه و غیبت

نیمه و غیبت، نقض حریم خصوصی اطلاعات اشخاص است. نیمه یعنی بیانی که خواه با زبان، خواه با صورت مکتوب و خواه با صورت‌های دیگر همانند ایما و اشاره و رمز در حق دیگری گفته می‌شود. نیمه متضمن اظهار عیب یا نقص در مورد دیگری است؛ به گونه‌ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی می‌شود. سبب نیمه ممکن است وجود یک نیت سوء در شخص مرتکب نسبت به منتسب‌الیه باشد یا اظهار حب و دوستی به مخاطب یا حتی تفرج یا فضولی کردن در امور منتسب‌الیه باشد. شهید ثانی می‌گوید حقیقت نیمه عبارت است از افشا و هتک سرّی که دارنده آن، افشای آن را بر دیگران روا نمی‌داند (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۰۶). در آیه ۱۱ سوره قلم «هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنَمِيمٍ» پیامبر (ص) منع شده است از ترتیب اثر دادن به سخنان نامان و عیب جویان.

غیبت وجه مشدد و شرترین قسم نیمه به شمار می‌رود. (همان، ص ۳۰۴) در وسایل الشیعه از زبان ابوذر منقول است که پیامبر (ص) به وی وصیت کرده است:

«ای اباذر، از غیبت بر حذر باش که همانا غیبت شدیدتر از زناست. اباذر می‌گوید پرسیدم چرا؟ پیامبر فرمودند؟ پیامبر فرمودند: زیرا شخص زناکار چه بسا ممکن است توبه کند و توبه‌اش نیز مقبول حق قرار گیرد، اما غیبت بخشیده نمی‌شود مگر آنکه کسی که از او غیبت شده ببخشد. اباذر می‌گوید پرسیدم: ای پیامبر، غیبت چیست؟ پاسخ دادند: یعنی اینکه پشت سر برادرت حرفی بزنی که او خوشش نمی‌آید. گفتم حتی اگر آن حرف حقیقت داشته باشد؟ فرمودند: بدان که اگر شخصی را به گونه‌ای یاد کنی که در خصوص او صدق می‌کند مرتکب غیبت شده‌ای، اما اگر آنچه گفته‌ای در خصوص او صادق نباشد مرتکب بهتان شده‌ای». (حرعاملی، ۱۳۷۲، الجزء ۱۲، ص ۲۸۱)

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «لَا تُبَيِّنُوا بَشَرًا رَكِمَ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبِّهِ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْمَعَايِبِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۹)

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه روایتی را نقل نموده است که خداوند قسم جلاله یاد کرده است که نام... و ساعی در فتنه را داخل بهشت نمی‌کند. (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۵۶)

نتیجه‌گیری

حریم خصوصی پیش از آنکه در غرب و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود با تأکید بسیار در منابع اسلامی مورد توجه بوده، در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام وجود دارد که می‌توان با تبیین آنها دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی را بیان کرد. از این روایات می‌توان به عنوان مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) در خصوص لزوم حمایت از حریم خصوصی شهروندان و منع تجاوز به آن از سوی کارگزاران نام برد.

نکته قابل توجه این است که در غرب، زمانی که دچار مشکلات امنیتی می‌شوند، اولین قربانی، حریم خصوصی شهروندان است، چنانچه پس از ۱۱ سپتامبر شنود مکالمات شهروندان توسط دولت آمریکا تجویز شد. در اروپا پیش از ۱۱ سپتامبر به موجب الزام دستورالعمل شورای اروپا، تمام کشورهای اروپایی موظف به تصویب قوانین خاص در خصوص حمایت از حریم خصوصی شدند، لکن پس از ۱۱ سپتامبر این روند نه تنها متوقف شد، بلکه معکوس شد! اما حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ و در اوج مشکلات امنیتی کشور و مسائل خاص جنگ تحمیلی و تحرکات منافقین، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به ارگان‌های قضایی، اجرایی در خصوص حمایت از حریم خصوصی شهروندان صادر فرمودند.

با وجود این، متأسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان، چه در تدوین قوانین و مقررات مربوط به حریم خصوصی و چه در رویه‌های عملی، اهمیت این حق و آثار ناشی از آن در روابط افراد با یکدیگر و با حکومت چنان‌که باید درک نشده و حمایت‌های لازم از آن صورت نگرفته

است و به احکام تکلیفی بسیاری که در حمایت از حریم خصوصی وجود دارند و قابلیت تبدیل به احکام وضعی داشته‌اند بی‌توجهی شده است.

از حریم منزل، مکالمات، ارتباطات، عقاید و افکار، در آیات و احادیث متعددی به تصریح حمایت شده است. به اعتماد بر ظواهر و حُسن ظن سفارش شده، از سوء ظن و تجسس در امور پنهانی دیگران منع شده است.

استثناهایی که در منابع اسلامی بر ممنوعیت مداخله در امور دیگران وارد شده است بسیار محدود بوده، تنها به دلیل ضرورت‌های اجتماعی مهم نظیر امر به معروف (با رعایت کلیه شرایط آن)، جاسوسی در زمان جنگ یا جمع‌آوری ادله‌ای که برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق جامعه ضرورت دارند مقرر شده‌اند. همچنین با توجه به اصول تفسیر، استنهای حریم خصوصی تنها به قدر متیقن و قدر ضرورت خود محدود شده و تفسیر موسع آنها ممنوع است.

Archive of SID

منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) نهج البلاغه، (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
- ۳) آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۱) غررالحکم و دررالحکم، قم، امام عصر.
- ۴) اردبیلی، احمد، (۱۴۱۱ق) مجمع الفائده و البرهان، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۵) بجنوردی، سیدمحمدحسن، (۱۴۱۹ق) قواعدالفقهیه، ج ۱، الهادی.
- ۶) بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، (بی تا)، السنن الكبرى (سنن بیهقی) بیروت، دارالفکر.
- ۷) جعفری، علی، (۱۳۸۴) نسبت رسانه های جهانی و بحران های جهانی با تاکید بر وقایع پس از ۱۱ سپتامبر، پژوهش و سنجش (پژوهش های ارتباطی)، ش ۴۲.
- ۸) حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴ق) تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- ۹) حر عاملی، (۱۳۷۲) وسایل الشیعه، الجزء ۱۲، قم، آل البيت.
- ۱۰) حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، (بی تا)، بی جا.
- ۱۱) حویزی، عبد علی، (۱۴۱۵ق) تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
- ۱۲) خرازی، سیدمحسن، (۱۳۸۰) فی التجسس و التفتیش، فقه اهل بیت، ش ۲۶.
- ۱۳) سجستانی، ابی داود سلیمان بن اشعث، (۱۴۱۰ق) سنن ابی داود، قم، دارالفکر، جلد ۲
- ۱۴) صحیفه امام، جلد ۱۷، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۱۵) شهید ثانی، (بی تا)، رسائل، قم، بصیرتی.
- ۱۶) شیخ انصاری، (۱۳۷۴) المکاسب، الجزء الثانی، ص ۲۱۴، قم، انتشارات دهقانی.
- ۱۷) صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق) من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۸) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- ۱۹) علامه حلی، (۱۴۱۰ق) المختصر النافع، تهران، الطبعة الثانية.
- ۲۰) قرشی البغدادی، جمال الدین، (۱۴۰۷ق)، الاذکیا، قم، دارالفکر، جلد ۷.
- ۲۱) قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری، (۱۴۰۵ق) تفسیر القرطبی، جلد ۱۶.
- ۲۲) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳) مازندرانی، محمد، (بی تا)، شرح اصول کافی، جلد ۱۰.
- ۲۴) مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۷۲.
- ۲۵) محمدی ری شهری، (۱۳۷۵) میزان الحکمه، قم، دارالحديث، جلد ۱.
- ۲۶) مناوی، محمد، (۱۴۱۵ق) فیض الغدیر، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳.
- ۲۷) نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۰) جواهر الکلام، تهران، المكتبة الاسلامیه، جلد ۱۳.

۲۸) نمازی، علی، (۱۴۱۹ق) مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه النشر الاسلامی، جلد ۷.

۲۹) نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، (۱۴۰۸ق)، قم، آل‌البیت.

Archive of SID